

متن پرسش

سلام علیکم از اینکه مصدع اوقات حضرتعالی می‌شوم همین ابتدا عذر می‌خواهم. در چند سال اخیر رجب و شعبان و رمضان برایم اهمیت سابق را ندارد. علت آن هم این است که بنده مشکلاتی برایم به وجود آمد و حتی یکی از این مشکلات واقعا نادر و آزار دهنده است. بنده در آغاز بروز این اتفاقات بسیار به رحمت الهی امیدوار بودم اما پس از گذشت چند سالی آن قدر ناامید شدم که نماز شب‌هایم که به طور دائم ترک نمی‌شده چند تا در ماه تقلیل یافت. با آن که مستحبات را هنوز انجام می‌دهم هیچ لذتی از آن‌ها نمی‌برم. حتی نمازهای واجب را باسستی و بی‌حالی می‌خوانم و دائم از خودم می‌پرسم برای چه باید زندگی کرد و امید داشت. زخم‌هایی که بر دلم هست شاید قابل تحمل باشند اما سرزنش‌ها و ملامت دیگران در حالی که کاملا بی‌تقصیرم شدیداً آزارم می‌دهد. از بس در این ماه‌های مبارک در عرفه و ام داوود شرکت کردم و ملتسمانه حاجت خواستم و نتیجه نگرفتم نا امیدم. حتی متاسفانه در عصبانیت‌ها به کفرگویی افتادم. از آینده شدیداً مضطرب و ناامیدم. قرار و آرامش ندارم. هیچ کس جز خداوند عزیز نمی‌تواند گره از این مشکلات بگشاید. نه به مظاهر و شادی‌های دنیای امروز دلخوشم و نه در اعتقادات خود سرسختم. گاه با خودم می‌گویم اگر قرار بود با این امتحانات این من خرد شود خب شده پس چرا خداوند دست از سر ما برنمی‌دارد. حاج آقا بنده آدم فوق‌العاده آرمانخواهی بوده‌ام و حتی امروز همان آرمان‌ها نور امید در دلم می‌گشایند ولی بسیار شکننده است و زود از دست می‌رود. چند سال است که تمام عالم پیش چشمم سیاه شده و حال و حوصله‌ی هیچ کس را ندارم. ولی دیگر فکر می‌کنم صبرم به پایان رسیده و طاقتی برای حفظ خویش ندارم. حاج آقا این سطور را در کمال ناامیدی از همه‌جا نوشتم. در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان بنده را راهنمایی بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: گفت: «گر به هر زخمی تو پر کینه شوی... پس کجا بی‌صیقل آینه شوی» عجیب است که خداوند گاهی بنده‌ی خود را شایسته‌ی آن می‌بیند که همه‌ی دنیا و اسم و رسم‌ها را از بگیرد تا تمام قلب او برای خودش کند، حال بنده اعتراض دارد. مگر طوری زندگی را شروع نکردی که جز خدا نمی‌خواستی حالا که خلق را با تو بد و بدبین کرده تا تو ناچار رو به سوی او اندازی داد و بیداد می‌کنی؟ گیرم همه‌ی آن‌چه می‌خواهی به تو داد، می‌شوی مثل بقیه، چرا به آن‌هایی نمی‌نگری که در عین این محرومیت‌های اسم و رسم‌دار، سراسر وجودشان امید است به آن‌چه در قیامت روسفیدند و

دنیا آن‌ها را بازی نداده است. باید حسرت چه کسی را بخوری؟ به گفته‌ی مولوی: «سوی دریا عزم کن
زین آبگیر... بحر جو و ترک این مرداب گیر» به گفته‌ی محی‌الدین بن عربی: «اهل الله می‌دانند که
انسان نمی‌تواند دارای چنان خوی نیکویی شود که با گرایش همه‌ی مردم سازگار باشد؛ بنابراین
جان‌های خود را تنها به خشنودساختن خدا وا می‌دارند. مؤمن، خشنود به خشنودی خداست، و باکی
نیست از این‌که منافق از ما خشمگین شود، زیرا او دشمن خداست». موفق باشید